

## درآمدی بر تاریخ ادبیات اسپانیایی- امریکائی

به یاد گابریل گارسیا مارکز  
که در ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ درگذشت.

حسن میرعابدینی

کاظم فرهادی، درآمدی بر تاریخ ادبیات اسپانیایی- امریکائی، نشر نی، تهران ۱۳۹۲،  
۲۲۹ صفحه.

مؤلف، با تمرکز بر تحوّل انواع شعر و داستان و نمایش، سیر ادبیات اسپانیایی زبان امریکای لاتین را در روندی تاریخی، به ترتیب زمانی، پی می‌گیرد و می‌کوشد تا نشان دهد ادبیاتی محلی و وابسته به سنت فرهنگی اسپانیا چگونه به صورت شاخه‌ای مستقل و پربار از ادبیات مدرن جهان درآمدہ است. کاظم فرهادی تاریخ ادبی موجز خود را به شکل مجموعه مقالاتی کوتاه درباره دوره‌های تاریخی- ادبی پیش می‌برد. در این مقالات، چشم‌اندازی از فضای اجتماعی امریکای لاتین و عوامل تاریخی- سیاسی مؤثر بر روند فرهنگ، در برابر خواننده گشوده می‌شود. سپس، جریان‌های ادبی شکل گرفته بر این زمینه توصیف می‌شود با این هدف که رابطه ساختار اجتماعی با آثار ادبی- هنری پدید آمده در دوره‌های ادبی ارائه گردد و، با توجه به نسبت تحوّل درونی ادبیات با شرایط بیرونی، همسوئی این دو نشان داده شود. در این وجه نظر، ادبیات

به صورت پدیده‌ای جلوه‌گر می‌شود که در جنب عوامل مؤثر برون‌متنی معنی پیدا می‌کند.

کتاب براساس نظر اوکتاویو پاز<sup>۱</sup> (۱۹۱۴-۱۹۹۸)، شاعر مکزیکی و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۰، شکل گرفته که، به جای ادبیات قومی (مکزیک، آرژانتینی و...)، مفهوم کلی ادبیات اسپانیایی-امریکایی را نشانده است؛ زیرا نویسندگان امریکای لاتین به زبان اسپانیایی و برای اسپانیایی‌زبانان می‌نویسند و «سبک‌ها و شیوه‌های زیباشناختی از ملیت‌ها درمی‌گذرند، از روی حصارها می‌لغزند و کاری با مرزها ندارند». پاز ادبیات اسپانیایی-امریکایی را یکی از عناصر وحدت تاریخی ملت‌های امریکای لاتین می‌شمارد و برای ادبیات این ملت‌ها تمایز فرهنگی قایل نیست. مؤلف، در عین حال، آراء اثرافرینانی را ذکر می‌کند که با نظر پاز مخالف‌اند. مثلاً ژورژی آمادو<sup>۲</sup> (۱۹۱۲-۲۰۰۱)، رمان‌نویس چپ‌گرای برزیلی، بر آن است که ادبیات امریکای لاتین وجود ندارد و هر یک از کشورهای این منطقه ادبیات ملی خاص خود را دارند. او پذیرش برچسب «ادبیات امریکای لاتین» را سر نهادن به گرایشی استعماری تلقی می‌کند. خورخه لوئیس بورخس<sup>۳</sup> (۱۸۹۹-۱۹۸۶)، شاعر و داستان‌نویس نوگرای آرژانتینی، نیز به ادبیات ملی باور دارد و تعبیر «هویت امریکای لاتینی» را کلی‌گرائی ریاکارانه می‌سنجد.

به هر روی، این کتاب به آن بخش از ادبیات امریکای لاتین می‌پردازد که به زبان اسپانیایی نوشته شده و آبشخور ریشه‌های آن عمدتاً سنت فرهنگی اسپانیاست. پس، در آن، از نویسندگان پرتغالی‌زبان برزیل یا فرانسه‌زبان‌های هائیتی و نویسندگانی که به دیگر زبان‌ها می‌نویسند سخنی به میان نمی‌آید.

کتاب شامل سه بخش است و هر بخش مقدمه‌ای دارد که، طی آن، جریان کلی ادبیات دوره مورد نظر وصف می‌شود. آنگاه، در سه فصل نظم‌یافته براساس سیر تاریخی، شعر و نثر و نمایشنامه بررسی می‌گردد. در هر فصل، تفصیل جزءنگارانه‌تر جریانی را می‌خوانیم که در «مقدمه» به صورت کلی مطرح شده بود.

مقدمه بخش اول، «از اکتشاف تا استقلال»، توصیفی است از فتح خونین دنیای جدید (قاره

1) O. Paz

2) J. Amado

3) J. L. Borges

امریکا) بر اساس آنچه اسپانیایی‌های درگیر در ماجراها نوشته‌اند. تأکید آنان «بر رشادت کریستف کلمب و همراهان او به عنوان دریانورد و کاشف و کم‌اهمیت جلوه دادن کشتار سرخ‌پوستان... انتخابی [است] ایدئولوژیک» برای توجیه آنچه به واقع روی داده است.

در فصل‌های سه‌گانه این بخش، به ترتیب از ادبیات کشف و فتح و تبلیغ انجیل؛ شکوفایی و پژمردگی ادبیات استعماری؛ دوره روشنگری و قیام‌گفت‌وگو شده است. در آن، شرحی آمده است از هجوم اسپانیایی‌ها و دیگر ملل آزمند اروپایی، در قرن پانزدهم میلادی، به امریکا که، با کشتار بومیان و قلع و قمع فرهنگ آرتک‌ها و اینکاهای صلح‌دوست، «چهره» این سرزمین را دگرگون کردند». قرن شانزدهم، دوره ادبیات روائی بود، در قالب گزارش‌های وقایع‌نگارانه از کشف و فتح، به قلم کسانی از میان کاشفان و مبلغان مسیحی که، تحت تأثیر شگفتی‌های قاره نو، مشاهدات عینی خود را با صحنه‌ها و مخلوقات تخیلی برگرفته از ژمانس قرون وسطایی، درمی‌آمیختند: ترکیب هنر فاتحان با سنن ادبی بومیان که زمینه‌ساز آثار بعدی امریکای لاتین می‌شود.

فاتحان ادبیات درباری- کلیسائی اسپانیای قرون وسطی را در دنیای نویافته تداوم بخشیدند. به تدریج ادبیات خردگرای قرن هفدهم فرانسه نیز، به رغم ممانعت و سانسور مقامات اسپانیایی، به درون منطقه راه گشود. قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم دوره جنگ‌های استقلال و نشر مقالات ژورنالیستی و شعرهای پرشور میهنی و شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و روشنفکری متأثر از ادبیات اروپایی است. در واقع، در هر چند دهه، به مقتضای شرایط تاریخی- اجتماعی، نوع ادبی فراخور آن به صحنه مقدم می‌آید و انواع دیگر در سایه قرار می‌گیرند. در اوایل قرن نوزدهم، جنبش ادبی مستقلی در مکزیک پا می‌گیرد که، ضمن تأثر از ادبیات فاتحان اروپایی، مایه‌هایی سرخ‌پوستی دارد. این جنبش، رفته‌رفته، به دیگر کشورهای منطقه راه می‌یابد و نویسندگان، با اختیار مضمون‌هایی بیگانه‌ستیز، رویکردی هویت‌طلبانه می‌یابند و در راه شکستن طلسم سنت ادبی استعماری گام برمی‌دارند. در این دوره، هنوز اثر شاخصی پدید نمی‌آید و آثار تنها به لحاظ تاریخی- اجتماعی حایز اهمیت‌اند.

در مقدمه بخش دوم، «از استقلال تا انقلاب مکزیک»، مؤلف، ضمن وصف حال و هوای چیره بر دوره مورد نظر، رگه‌های اصلی فعالیت ادبی و نمایشی را نشان می‌دهد. سپس،

در سه فصل کوتاه‌تر رمانتیسیم؛ رئالیسم و ناتورالیسم؛ و مدرنیسم، تحوّل شعر و نثر و نمایش طیّ سال‌های ۱۸۳۲-۱۹۱۰ را، به صورتی جزءنگارانه‌تر از آنچه در مقدمه آمده، پی می‌گیرد.

در این دوره، تلاش اثرآفرینان برای درهم‌آمیزی مکتب‌های ادبی اروپا با مضمون‌ها و قالب‌های بومی، به آمریکانیسم ادبی می‌انجامد. هرچند در اوایل قرن نوزدهم خاطره‌نگاری مربوط به دوره استعمار تداوم می‌یابد، نگارش آثار رمانتیک با مضمون «کسب هویت میهنی برآمده از جنگ‌های استقلال» رونق می‌گیرد. مضامین سرخ‌پوستی بیش از پیش به آثار ادبی راه می‌یابند. نویسندگان، در صحنه آشفته معاصر یا در گذشته‌ای افسانه‌ای و آرمانی، به جست‌وجوی ریشه‌های ملی خودند. مؤلف نخست به اختناق سیاسی حاکم بر اغلب کشورهای منطقه و مشکلات سیاسی-اجتماعی آنها در نیمه قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم اشاره می‌کند. آن‌گاه به این نکته می‌پردازد که، با ورود به عصر رئالیسم، توجه به عینیات اجتماعی جانشین تخیلات ایدئالیستی رمانتیک‌ها می‌شود و به رشد منطقه‌گرایی، با تأکید بر چشم‌اندازهای طبیعت بکر، می‌انجامد. گرایش دیگری که، همزمان با منطقه‌گرایی رواج می‌یابد، مدرنیسمو به سرکردگی ادبی روبن داریو<sup>۴</sup> (۱۸۷۵-۱۹۳۴)، شاعر و فعال سیاسی نیکاراگوآیی است. جریان‌های متنوع اروپایی و بومی، در بوتّه جنبش مدرنیسمو، همگداز می‌شوند و زیباشناسی کاملاً نوری پدید می‌آید که ویژگی امریکائی بسیار چشمگیری دارد. ادبیات امریکائی-اسپانیائی با این جنبش وارد جریان اصلی ادبیات غربی می‌شود.

در بخش سوم، «از انقلاب مکزیک تا جهانی شدن ادبیات اسپانیائی-امریکائی»، آغاز دوره معاصر ادبیات امریکای لاتین مقارن انقلاب ۱۹۱۰ مکزیک قلمداد می‌شود که «شاخص‌ترین جنبش اصلاحات اجتماعی در تاریخ جمهوری‌های امریکای لاتین به شمار می‌آید». انقلاب مکزیک دوره شکل‌گیری سرنوشت‌سازترین حوادث ادبی منطقه و عامل شتاب بخشیدن به آگاهی اجتماعی نویسندگان وصف می‌شود. از آن پس، سرخ‌پوست و دلبستگی به هویت بومی از حدّ نشانه‌ای برای آب و رنگ اقلیمی دادن به ادبیات می‌گذرد

و به جائنمایه اساسی شعرها و داستان‌ها بدل می‌گردد. پس از جنگ بین‌المللی اول و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در امریکای لاتین، که رونق اقتصادی و فساد مالی و سیاسی دولتمردان را به همراه داشت، اعتراض اجتماعی در ادبیات امریکای لاتین بازتاب پررنگ‌تری می‌یابد. نگارش مقالاتی مبتنی بر خودشناسی انتقادی رواج می‌یابد. رمان و داستان کوتاه به چشم‌اندازی هویت‌طلبانه و انتقادی معطوف می‌گردد و شاعرانی چون پابلو نرودا<sup>۵</sup> (۱۹۰۴-۱۹۷۳)، شاعر مشهور و ممتاز شیلیایی و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۱، گل می‌کنند.

جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) نیز از عوامل مؤثر در تحوّل ادبی منطقه شد. پس از شکست جمهوری خواهان، بسیاری از نویسندگان و ناشران اسپانیایی به امریکای لاتین مهاجرت کردند و، در آنجا، بنگاه‌های نشر دایر کردند و مجلات ادبی تازه‌ای راه انداختند که حول آنها جنبش‌های ادبی متنوعی شکل گرفت. در حالی که طرفداران مدرنیسمو به گریز هنرمندانه از مطرح کردن مسائل اجتماعی در ادبیات می‌اندیشیدند، رمان انقلاب دلبستگی عمیقی به مبارزات مردم نشان می‌داد. اما جریان عمده ادبی در نوعی از منطقه‌گرایی بروز یافت که به تدریج رنگی دیگر گرفت و با ادبیات روان‌شناختی و فلسفی درآمیخت. بدین سان، مضمون انسان در قبال زندگی شهری امروز به جای مضمون انسان در قبال بدویت طبیعت نشست. نویسندگان امریکای لاتین با نوعی فراواقع‌گرایی - رئالیسم جادویی که «مقیاس‌های معمول زمان و مکان را به منظور گشودن راهی برای کشف واقعیتی نو درمی‌نوردد» - به مضمون‌های خود صورت هنری دادند. از درون رمان بومی‌گرا، که با رئالیسم جادویی حال و هوایی متفاوت یافته بود، رمان روان‌شناختی برآمد که، به صورتی بدیع، باورهای بومی را با مدرن‌ترین سبک‌های ادبی جهان می‌آمیخت. این شیوه ادبی، در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۷۰، با رمان‌های گابریل گارسیا مارکز<sup>۶</sup>، میگل آنخل آستوریاس<sup>۷</sup>، خوان رولفو<sup>۸</sup>، کارلوس فوننتیس<sup>۹</sup>، آخو کارپانتیه<sup>۱۰</sup>، و ماریو بارگاس یوسا<sup>۱۱</sup>؛

5) P. NERUDA

6) G. G. MARQUEZ

7) M. A. ASTURIAS

8) J. RULFO

9) C. FUENTES

10) A. CARPENTIER

11) M. VARGAS LIOSA

داستان‌های کوتاه بورخس و خولیو کورتازار<sup>۱۲</sup>؛ و شعر نرودا، اوکتاویو پاز، و سزار (سزار) وایه‌خو<sup>۱۳</sup>، بر ادبیات جهان اثر جدی نهاد.

سخن آخر را می‌توان بخش دیگری از کتاب شمرد که بیش از بخش‌های دیگر فشرده شده است، در حالی که جای بحث بیشتری دارد؛ زیرا مربوط است به ادبیات امریکای لاتین پس از جهانی شدن آن با ترجمه صد سال تنهایی به زبان انگلیسی در سال ۱۹۷۰- زمانی که محافل ادبی غرب به تنوع و غنای ادبیات جدید امریکای لاتین پی بردند. نخستین آشنایی‌های ایرانیان با این ادبیات به دهه ۱۳۳۰ بازمی‌گردد که شعرهای نرودا و داستان‌های آمادو، به عنوان اثرآفرینان ضد استعمار، در نشریات ادبی چاپ و منتشر می‌شد. اما شناخت جدی ما با ادبیات امریکای لاتین مقارن است با مطرح شدن آن در جهان یعنی دهه ۱۹۷۰. زهرا خانلری، در سال ۱۳۴۸، رمان آقای رئیس‌جمهور اثر آستوریاس را ترجمه کرد. این کتاب با اقبال خوانندگان فارسی‌زبان مواجه شد و تا سال ۱۳۵۶ به پنج چاپ رسید که مترجم را برانگیخت تا دیگر آثار این نویسنده را هم ترجمه کند. احمد میرعلائی، در سال ۱۳۵۰، با ترجمه مجموعه داستان ویرانه‌های مدور، بورخس و، با ترجمه سنگ آفتاب، اوکتاویو پاز را به جامعه ادبی ما معرفی کرد. در سال ۱۳۵۳، ترجمه صد سال تنهایی، اثر مارکز، به قلم بهمن فرزانه و ترجمه انفجار در کلیسای جامع، اثر کارپانتیه، به قلم سروش حبیبی منتشر شد. پس از آن، روند ترجمه آثار نویسندگان امریکای لاتین سیری شتابان یافت.

در پی آشنائی نسبتاً وسیع نویسندگان ایرانی با آثار نویسندگان امریکای لاتین در این دوره، مایه‌ای از رئالیسم جادویی به داستان‌نویسی ایرانی رخنه کرد که در رمان‌هایی چون طوبی و معنای شب از شهرنوش پارس‌پور و اهل غرق اثر منیرو روانی‌پور شاهد آنیم. کشف نویسندگانی مثل فوئنتیس و رولفو مربوط به سال‌های ۱۳۶۰ است. سال‌های ۱۳۷۰ دهه ترجمه آثار بارگاس یوسا به قلم عبدالله کوثری و مترجمان دیگر خوانده شده است. در واقع، ادبیات امریکای لاتین در همان سال‌های ۱۳۵۰، با مطرح شدن جریان‌هایی همچون مبارزات مردم این منطقه، سلطه‌جویی امریکای شمالی، و

12) J. CORTAZAR

13) Cesar Vallejo

حکمروائی دیکتاتورها در آن، توجه جامعه ادبی ما را جلب می‌کرد. اما در سال‌های ۱۳۶۰ بود که، با تغییر نوع نگاه اثرآفرینان به وظیفه ادبیات، نوآوری‌های نویسندگان امریکای لاتین در ساختار رمان، برای بازنمائی جادوی واقعیت در پس‌روزمزگی‌ها، مطبوع طبع اثرآفرینان ایرانی افتاد. به‌ویژه آنکه بازگشت به جلوه‌های هویت بومی و تلاش برای کشف بوطیقای داستان ایرانی از طریق جست‌وجو در متون کهن مشغله ذهنی برخی از نویسندگان ایرانی مثل جلال آل‌احمد و هوشنگ گلشیری شده بود. مثلاً گلشیری بر آن بود که نویسندگان ما بهتر است به جای تقلید از شیوه‌های داستان‌گویی بیگانگان، «به سرچشمه‌های ادب خودمان برگردند و آنها را با دستاوردهای جهانی داستان‌نویسی پیوند بزنند».

روند رو به رشد ترجمه آثار نویسندگان امریکای لاتین ضرورت آشنائی بیشتر جامعه ادبی ایران را با ادبیات این بخش از جهان مطرح کرد. در سال ۱۳۶۱، فرهنگ نو در امریکای لاتین اثر جین فرانکو<sup>۱۴</sup>، به ترجمه مهین دانشور منتشر شد.

درآمدی بر تاریخ ادبیات اسپانیایی-امریکائی اثر کاظم فرهادی گردآوری و جمع‌بندی پژوهشگری ایرانی از این ادبیات مطرح جهانی است. تألیف این کتاب موجز «بر اساس کتاب‌های معتبر تاریخ ادبیات کشورهای امریکای لاتین... و دسته‌بندی‌های پذیرفته شده از جانب اکثر تاریخ‌نگاران و پژوهندگان ادبی» انجام گرفته است. «یادداشت‌ها»ی پایان هر فصل بخش مهمی از این کتاب را تشکیل داده و بیش از نیمی از حجم آن را اشغال کرده و از جزء فرعی به پاره‌ای پُر فایده از آن مبدل گشته است. در واقع، متن هر گفتار در یادداشت‌های پایانی آن ادامه می‌یابد: در متن، به کلیات جریان‌شناسانه پرداخته می‌شود و جزئیات و مواد زندگی‌نامه‌ای در یادداشت‌ها مندرج است. توصیفی از مکتب‌های ادبی به همراه شرح حال و شیوه کار هنری اثرآفرینان گوناگون، از خرد و بزرگ، و زندگی‌نامه سیاستمدارانی که در متن از آنها نام برده شده در قالب نوشته‌های کوتاه دانشنامه‌ای جا خوش کرده‌اند که اطلاعات و فواید متنوعی درباره ادبیات امریکای لاتین را در بر دارند. فرهادی، پیش از این، نمایشنامه‌هایی از نویسندگان امریکای لاتین و رمان امریکای لاتین (۱۳۹۱)، گفت‌وگوی آلیخوکار پانتیه با رامون چائو، را به فارسی ترجمه کرده است.

□